

مقام محترم دادستان کل کشور جمهوری اسلامی ایران

آیت‌الله قربانعلی درمی‌نخند آبادی

باعرض سلام

و آرزوی توفیق جنابعالی در ایفای وظیفه خطیری که آن مقام محترم بر عهده دارند.

احتراماً پیرو اعلان اخیر حضرتعالی در بیانیه‌ای که توسط خبرگزاری فارس در تاریخ ۲۷ بهمن ماه ۱۳۸۷ منتشر گردید و عطف به نامه جامعه بین‌المللی بهایی مورخ ۱۴ اسفند

۱۳۸۷ خطاب به آن جناب و هدایت میت العدل اعظم مورخ ۱۵ اسفند ۱۳۸۷ خطاب به بهائیان ایران نکاتی چند با تحسین می‌رساند:

۱) با آنکه آن جناب کاملاً مستحضرند و در طی ۳۰ سال اخیر کلیه مسئولین امور در سطح محلی و ملی ملاحظه فرموده‌اند بهائیان در هر اقلیمی ساکن بوده‌اند با تکیه اصول اخلاقی و اعتقادی خویش با اطاعت از قوانین مدنی کشوری، در سبیل پیشبرد رفاه و سعادت کشور مقدس ایران که همدآئین ایشان محسوب، دوش به دوش سایر هموطنان ساعی و جاهد بوده‌اند. در همه احوال با رعایت حکمت و صداقت تام و به دور از هرگونه تطاهر و ریاء به انجام وظایف روحانی خویش مشغول و مألوف بوده و در تلاش برای استمرار محبت و دوستی بین دوستان، بهکاران و همسایگان مشارالینان. از ارتکاب هر اقدامی که خیانت به وطن محسوب بدور و جمع شئون زندگی فردی و اجتماعی و فاداری شان را به حکومت متوجه خویش اثبات نموده‌اند. گواه این مهم روش و سلوک ایشان بوده است.

۲) علیرغم تحمیل فشارها و تضییقات روز افزون مستمر در طول این سالین بر جامعه بهائی ایران و تضییع حقوق مسلمة اعضای این جامعه که مضمون قانون اساسی کشور بوده، بهائیان برای تأمین مقتضیات ضروری حیات خویش و نیز حفظ و صیانت خود از بی‌عدالتی‌ها، به دور از هرگونه آشوب و اغواگری در کمال ادب و ممانعت از طرق قانونی به مراجع داخلی تظلم نموده‌اند و طبعاً چنانچه اقداماتشان نتج به نتیجه نگردیده، به مراجع حقوقی و قانونی بین‌المللی متوسل گشته‌اند تا شاید مظالم وارده تخیص یابد و حقوق از دست رفته استیفا گردد. این روش و سلوک امری طبیعی است که هر انسانی با حرام و عقیده، تابع هر حکومت و ساکن در هر اقلیمی باشد چنین نماید تا شاید بتواند خود را از گزند بی‌عدالتی‌ها و تضییع حقوق و هتک حرمت خویش توسط دیگران محفوظ نگه دارد اما متأسفانه این نحوه اقدام و این تلاش و کوشش بهائیان برای حفظ و بقای خویش در این خاک مقدس پیوسته با انگارتاتی ناروا چون جاسوسی برای اجانب و وابستگی به کشورهای بیگانه جلوه داده شده است. اتهامات و انگارتاتی که مطمئناً امروز پس از گذشت سی سال از انقلاب و ملاحظه دقیق رفتار و سکنت بهائیان، در باور مسئولین مضاف و نیز ملت شریف و حق پرور ایران وجود ندارد.

۳) پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ شمسی اداره امور روحانی جامعه بهائیان ایران همچون گذشته ایام از طریق بهیئت‌های محلی و ملی بنام محفل روحانی محلی و ملی تثبیت می‌گردید. این رویه تا شهریور ۱۳۶۲ برقرار بود اما اعلان دادستان کل کشور در آن زمان که خواستار انحلال تشکیلات اداری بهائی گردید سبب شد تا محفل ملی ایران در آن

زمان جهت اثبات حسن نیت تشکیلات اداری بهائی را تعطیل نماید؛ بنابراین از آن پس با شکونی به نیازی اجتماعی و روحانی جامعه بهائیان ایران را گروه یاران در سطح ملی و گروه های خادین در سطح محلی بطور غیر رسمی عمده دار گردیدند و البته که این امر نه تنها موضوعی خارج از اطلاع مسئولین نبوده بلکه بنا به اظهار وزیر اطلاعات وقت جناب آقای فلاحیان، «فعالتهای جامعه بهائی تحت نظر بوده و هیچگونه خطری برای نظام ندارد.»

علیهذا جای بسی تعجب است که پس از حدود ربع قرن از فعالتهای خادین و یاران ایران که پیوسته با گفتوهای آرام و دوستانه و با بعضی در فضایی باز جویی از برخی از اعضای خادین در شهرهای مختلف، مسئولین امور از کم و کیف این فعالیتها مطلع بوده اند؛ جنابعالی اکنون فعالیتها را وابستگی به اسرائیل و ضدیت با اسلام و نظام اسلامی و خطرناک برای امنیت ملی تلقی و اعلام فرموده اید.

البته وجود مرکز روحانی و اداری عالم بهائی در اسرائیل بیج دلیل بر ارتباط و وابستگی این دیانت به حکومت اسرائیل نمی باشد؛ با آنکه وجود اماکن مقدسه مسلمان در عتبات عالیات، عربستان، سوریه و حتی وجود مسجد الاقصی «اول قبله مسلمان» در خاک اسرائیل، دال بر وابستگی مسلمان به رژیم های سیاسی و حکومت این ممالک نبوده و دلیلی بر جاسوسی مسلمان سایر کشورها از جمله ایران برای حکومت این کشورها نمی باشد.

چگونه است که در ۱۷۹ مملکت محافل روحانی ملی بهائی به تمثیل امور بهائیان جوامع خویش مشغولند و در پیچک از این ممالک اهتمام واهی و بی اساس جاسوسی به آنان اطلاق نمی گردد و فقط مسئولین امور در همد آئین بهائی، ایران مقدس متوجه این امر شده اند؛ بدون تردید ریشه این موضوع را باید در اغراض، تعصبات و سوء تفاهات بی اساس جستجو کرد.

تاریخ ۱۶۵ ساله امر بهائی در این سرزمین بمسئین این حقیقت است که در دوره ای بنا به دلایلی نامعلوم پیروان این آئین را متعصب به کشور های خارجی دانسته اند تا با جاسوس جلوه دادن بهائیان سعی در ایجاد فاصله بین ایشان و سایر هموطنان شریف و روشن ضمیر کرده. گویند که میچگاه این تمهت های ناروا و ادوای نیابنده بلکه نتیجه عکس بخشیده است. چه هر انسان مضمضی باین موضوع اندیشه کند، درمی یابد که «کس نرزد بر درخت بی بر سنگ».

۴) اذیت و آزار مستمر بهائیان در شهرهای مختلف و تعرض به حقوق اجتماعی ایشان از قبیل: حق امنیت و آرامش کودکان و نوجوانان بهائی در مدارس، حق ادامه تحصیلات عالیه جوانان، حق امنیت متقاعدین الی الله و صیانت قبرستانهای بهائی از حمله و تخریب، حق اشتغال بهائیان در مشاغل آزاد، حق استفاده از وکیل مدافع و طی پرونده های زندانیان بهائی در شرایط متعارف قانونی و... در این سالها طولانی بطور سیستماتیک در جریان بوده که یاران ایران و بیست های خادین سعی در آرام نمودن اعضای مظلوم این جامعه تسدیده و مساعدت به ایشان جهت مواجه با این جریانها بر اساس اصول اعتقادی و روحانی خویش بوده اند.

لذا با آنکه که ملاحظه میفرمائید جمع های خادین بعد از تعطیلی تشکیلات انتخابی پیوسته در جهت جلب رضایت خاطر اولیای امور با حسن نیت محضه کوشیده و در زمینه هایی که مغایر اصول اعتقادی بهائی نبوده، با اولیای امور همکاری نموده اند.

اکنون که آن مقام محترم با غیرقانونی خواندن فعالیت‌های هیئت‌های خادمین تعطیلی این تسکيلات را اعلان نموده اند و ممنوعیت کاریاران ایران و خادمین بعنوان شرطی برای قابل شدن حداقل بعضی از حقوق بهائیان که در طی ۳۰ سال گذشته پایمال شده منظور شده است، و از آنجا که این موضوع مورد موافقت و تأیید یاران ایران و تصویب میت العدل اعظم قرار گرفته است؛ از این محط به بعد این جمع بعنوان هیئت خادمین جامعه بهائیان طهران ۵ به فعالیت‌های اداری خویش خاتمه داده، اعضایی آن مانند سایر افراد عادی جامعه، به انجام فرائض روحانی فردی خویش مشغول خواهند بود.

اگرچه محرومیت جامعه بهائیان ایران از این امکان که بجزء حقوق مسلم هر جامعه‌ای محسوب، امری دشوار است؛ اما تاریخ ۱۶۵۵ ساله این آئین نیردانی گواه آنست که بهائیان ایران پیوسته علیرغم فشار و تضییقات شدید، به مدد تائیدات الهی موفق خواهند شد که نوعی امور روحانی جامعه خود را سر و سامان بخشد؛ به رشد و تکامل روحانی خویش نائل گردند.

در خاتمه تقاضا دارم با رعایت عدل و انصاف نسبت به وضعیت پرونده اعضا محترم هیئت یاران ایران و نیز سایر زندانیان بهائی رسیدگی فرموده، با اعاده حقوق تضییع شده بهائیان، شانزدهمین میت خویش را برابر و مصادیق محبت و رافت اسلامی در حق ایشان را در انظار عالمیان اثبات فرمایند.

بدون شک مفتوح نمودن باب گفتار و تعامل سازنده با جامعه بهائی در داخل و خارج، در این شرایط حساس از تاریخ ایران نقشی بسزا در این زمینه خواهد داشت. از آستان الهی رجاء داریم که آن مقام محترم و سایر اولیاء امور را به انجام وظایف خطیره خویش بر اساس این آیه شریفه قرآن کریم موفق و موید دارد. بفضل و جوده.

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا  
اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ"

قرآن کریم سوره مائده آیه ۸

با تقدیم احترام

هیئت خادمین جامعه بهائیان طهران پنج

جمال ثابت

ناصر استانی

روح الدلطی